فهرست

[مقدمه 2](#_Toc56204379)

[احتمالات هنگام اختلاف نسخه‌ها 2](#_Toc56204380)

[دلیل هشتم: 5](#_Toc56204381)

[بررسی: 6](#_Toc56204382)

بسم الله الرحمن الرحیم

# موضوع: فقه / نکاح

# مقدمه

بحث در دلیل هفتم از ادله جواز نظر به وجه و کفین اجنبیه بود که عبارت بود از روایت بزنطی از امام رضا به همان بیان و تقریب‌هایی که ملاحظه کردید. در استدلال به روایت دو تقریب آمده بود که هر دو را ملاحظه کردید. ما گفتیم تقریب اول را می‌توان پذیرفت. پس از بررسی دو تقریب به این رسیدیم که بعضی فرموده‌اند این روایت اختلاف نسخه در آن است ذیل آنکه در وسایل شعرها و ذراعها دارد در کتاب دیگر صاحب وسایل که هدایة الامة الی احکام الائمة است به نسخه دیگری نقل شده و در فقره آخر به‌جای شعرها و ذراعها وجهها و ذراعها دارد. البته نقلی که هست ذراعیها هست ولی ازلحاظ ادبی غلط است. وجهها و ذراعها درست است. اگر این نسخه باشد لااقل این است که دیگر استدلال به این روایت برای جواز نظر به وجه و کفین و با تأکید بر اینکه مفروض این است که وجه و کفین جایز النظر است فرومی‌ریزد. اگر نگوییم که این دلیل بر عدم جواز نظر است لااقل برای جواز نظر هم نمی‌شود به این استدلال کرد.

## احتمالات هنگام اختلاف نسخه‌ها

آنچه الآن مطرح می‌شود و باید بررسی شود این است که این اختلاف نسخه آیا موجب تعارض می‌شود یا باید معامله دیگری با این تعارض کرد؟ در ابتدا سه احتمال قابل‌تصور است:

1. اختلاف نسخه است و اختلاف نسخه‌ها علی‌الاصول باعث تعارض می‌شود و به هیچ‌کدام نمی‌شود استدلال کرد. نه به نسخه شعرها و ذراعها که اگر درست باشد یکی از آن دو تقریر قابل‌پذیرش و تام می‌شود. نه نسخه هدایة الامة که وجهها و ذراعها بود و احیاناً دلیل بر عدم جواز می‌شد یا لااقل دلالت بر جواز نمی‌کرد. هیچ‌کدام تمام نیست تعارض دارند و ساقط می‌شوند. در اختلاف نسخ معمولاً اصل و قاعده این است.
2. چون هر دو این نسخه‌ها از صاحب وسایل و یک نویسنده است بیاییم نسخه متأخر را معتبر بدانیم. بر اساس این قاعده که نسخه متأخر از یک نفر ادق است. آنچه متأخر است با همه ملاحظات انتخاب شده است. اگر این قاعده تقدم نسخه متأخر از یک صاحب‌نظر بپذیریم نسخه هدایة الامة متقدم است زیرا کتاب هدایة الامة را صاحب وسایل پس از تدوین وسایل به نگارش درآوردند. با این توضیح که تقدیم نسخه متأخر در دو صاحب تألیف و صاحب کتاب شاید خیلی قابل‌قبول نباشد، اما آنجایی که یک نفر در دو کتاب دو نسخه آورده اینجا نسخه دوم مقداری ترجیح بیشتری پیدا می‌کند. البته آنجایی هم که دو صاحب‌نظر هم باشد این احتمال وجود دارد درصورتی‌که احراز شود دومی به آن کتاب اولی نظارت داشته و با عنایت بااینکه آنجا هست این‌طور آورده. مثلاً در من لایحضر یا تهذیب یا استبصار عنایت دارد که مرحوم کلینی این‌طور آورده. این هم بعید نیست که تقدمی داشته باشد درصورتی‌که احراز عنایت شود. منتها خیلی جاها احراز عنایت نمی‌شود درجایی که دو مؤلف باشد؛ اما جایی که یک مؤلف باشد قاعدتاً این عنایت بیشتر قابل تأکید و اتکا هست. لذا احتمال دوم این است که بگوییم نسخه وجهها و ذراعها در هدایة الامة متقدم است به خاطر تأخر کتاب و احیاناً ناظر بودن آن کتاب به این. ن

کتاب هدایة الامة حتماً بعد وسایل نوشته‌شده. چند شب پیش خدمت آقای علیزاده؟ که بودیم قبل اینکه اطلاعی از کتاب امل الآمل داشته باشیم نگاه می‌کردیم ببینیم از مقدمه و مؤخره و قرائن و شواهد برمی‌آید که وسایل اول بوده یا برعکس. با قرائنی حدس زده می‌شد که وسایل اول بوده و هدایة الامة بعد نگارش شده است. خصوصیت هدایة الامة این است که خلاصه‌تر است هشت جلد است اسناد را حذف کرده و چیزهایی که بیشتر فتوای نهایی خودش بوده انتخاب کرده و از این قبیل ویژگی‌ها دارد. این از قرائن حدس زده می‌شد؛ اما بعد ایشان این را پیدا کردند که مرحوم حر عاملی در امل الآمل که شرح احوال ائمه است و آنجا به‌صراحت نوشته که وسایل را در 20 سال نوشتم بعد هدایة الامة را تألیف کردم. لذا روشن بود که هدایة الامة مؤخر است. هم قرائن استظهاری وجود داشت هم به‌صراحت ایشان فرموده است. حدود 20 سال ایشان مشغول نگارش وسایل بوده و خصوصیات وسایل را در مقدمه و جاهای دیگر ایشان بیان کرده است. شرحی هم ایشان بنا بوده بر رسایل بنویسند یک جلد شرح وسایل نوشته‌اند. گفتم با شما مشورت کنند اگر جایی منتشرنشده ما منتشر کنیم. فواید اصولی را از منظر اخباری‌ها در جلد اول آورده و بعد نتوانسته ادامه دهد. پس بدون تردید هدایة الامة بعد وسایل است و احتمال دوم این بود که نسخه متأخر مقدم باشد و ترجیح پیدا کند که دیگر استدلال به این روایت ساقط می‌شد.

1. عکس دومی اینکه نسخه وسایل مقدم است علی‌رغم اینکه رسایل قبل بوده. چند شاهد دارد. یکی اینکه وسایل کتاب کاملاً موردعنایت ایشان ذکر اسناد و با دقت بالا بوده و کتاب هدایة الامة علی‌رغم اینکه متأخر نوشته‌شده بنای ایشان بر ترخیص و حذف اسانید و ارجاع به وسایل است. احتمال اینکه کار دوم خلاصه است با حذف سند و کشکولی به تحریر درآمده در عدم دقت بیشتر به نظر می‌آید تا کتاب موسوعه‌ای که 20 سال عمر گذاشته و همه اسناد را آورده و دقت‌هایی که در وسایل است. ازاین‌جهت قاعدتاً نسخه وسایل به دلیل اهتمامی که به آن داشته و جایگاه رفیعی که این کتاب دارد مقدم است بر نسخه دیگری که آن را آورده. احتمال گذرایی بودن و سرعت عمل در هدایة الامة بیشتر است تا در وسایل که کار اولش و باکمال دقت و توجه بوده است. این شاهد اول که اینجا علی‌رغم تأخر هدایة الامة اگر ویژگی دو کتاب را مقایسه کنی امتیاز بیشتر از وسایل است. شاهد دیگر اینکه این روایت در قرب الاسناد نقل شده و قرب الاسنادی که الآن هست شعرها و ذراعها دارد و اگر کسی بگوید این قرب الاسناد ما به آن سند معتبر داریم و یا از کتب مشهوره بوده بعید نیست این شاهد هم تقدم نسخه شعرها و ذراعها را تقویت کند. ضمن اینکه دیگرانی هم که نسخه قرب الاسناد را نقل کرده‌اند از جاهای دیگر هم شعرها و ذراعها نقل شده نه وجهها و ذراعها؛ بنابراین نسخه وجهها و ذراع‌هایی که در هدایة الامة آمده منحصربه‌فرد است. وسایل و قرب الاسناد که نسخه اصلی است و دیگر نقل‌هایی که از قرب الاسناد شده همه شعرها و ذراعها دارد و معلوم می‌شود که نسخه هدایة الامة دقیق نبوده. ازاین‌جهت ممکن است احتمال سوم را بپذیریم و شعرها و ذراعها مقدم باشد.

سؤال: مقتضای روایت را شاید بشود تمسک کرد وقتی می‌گوید وجهها و ذراعها گفتید از روایات به دست می‌آید وجه و کفین همیشه باهم است اما اینجا منحصر آورده.

جواب: نه. وجه که می‌گوید معلوم است.

شاهد چهارمی می‌شود آورد در حد شاهدی اینکه سؤال اول هم از شعر اخت امراته بود. یحل له ان ینظر الی شعر اخت امراته فقال لا الا اینکه از قواعد باشد. حالا می‌گوید از قواعد که شد چه مقدار نگاه می‌شود کرد؟ علی‌القاعده شأنی که محل سؤال بود در استثنا بود و باید امام آن را ذکر کند و اینکه بگوییم امام به ذراع یا وجه اکتفا کرده بعید است. این شاهد چهارم به نظرم خیلی قوی است روایت می‌گوید:

عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ فِي قُرْبِ الْإِسْنَادِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنِ الرِّضَا ع قَالَ: سَأَلْتُهُ‏ عَنِ‏ الرَّجُلِ‏ يَحِلُ‏ لَهُ‏ أَنْ‏ يَنْظُرَ إِلَى شَعْرِ أُخْتِ امْرَأَتِهِ فَقَالَ لَا إِلَّا أَنْ تَكُونَ مِنَ الْقَوَاعِدِ قُلْتُ لَهُ أُخْتُ امْرَأَتِهِ وَ الْغَرِيبَةُ سَوَاءٌ قَالَ نَعَمْ قُلْتُ فَمَا لِي مِنَ النَّظَرِ إِلَيْهِ مِنْهَا فَقَالَ شَعْرُهَا وَ ذِرَاعُهَا.[[1]](#footnote-1)

اگر امام بگوید وجه و ذراع این از آن درنمی‌آید که به شعر هم می‌شود نگاه کرد و اولویت و تنقیح مناطی در آن نیست درحالی‌که از بالا استفاده می‌شود که به شعر هم می‌شود نگاه کرد. شعر بوده و بالا می‌گوید می‌شود نگاه کرد اما پایین در مقام تحدید بگوید وجه و ذراع بعید است. این غیر بحث تقدم نسخه‌هاست. ما از درون‌متن نشانه‌ای سراغ داریم که نسخه شعر و ذراع را تقویت می‌کند. این وجه در کنار شواهد قبلی تقریباً اطمینانی درست می‌کند که شعرها و ذراعها است و در کنار ادله‌ای که گفته شد از ادله نسبتاً خوب می‌شود که نگاه به وجه و کفین جایز است. البته کفین نیامده که چون اجماع است که اگر وجه جایز بود کفین هم جایز است یا با عدم قول به فصل یا با الغاء خصوصیت و تنقیح مناط یا با اولویت. اگر به‌صورت می‌شود نگاه کرد دست کمتر در معرض ریبه است.

سؤال: شعر را قبلاً استثنا کرده بود دیگر حضرت ضرورت نمی‌بیند دوباره بگوید.

جواب: این شاهد است می‌شود این‌طور جواب داد ولی قاعده‌اش این است که راوی بعد اینکه فی‌الجمله از امام شنید می‌خواهد محدوده را به‌طور کامل از امام سؤال کند و امام علی‌القاعده باید جواب کامل دهد و آن اینکه شعر را بگوید وجه در ضمنش محفوظ و جواب کامل است اما اگر وجه بگوید آن جواب کامل نیست و باید بگوییم این را هم از بالا فهمیدیم. این استدلال نیست و شاهد است. بین این دو احتمالی که بنده عرض می‌کنم و شما هم می‌فرمایید قوی‌تر به ذهن است. انسان را تقریباً در کنار شواهد دیگر مطمئن می‌کند که نسخه وسایل و قرب الاسنادهای موجود مقدم است.

سؤال: با توجه به اینکه تصریح نشده که از قرب الاسناد است احتمال نمی‌دهید از غیر قرب الاسناد باشد؟

جواب: به ذهنم آمد ولی بعید است. احتمال ضعیفی است. در هدایة الامة ایشان روایاتی که از کتب معتبر و مشهور را نقل می‌کند با حذف اسانید.

سؤال: تصریح را دارد که مختصر وسائل است در امل الآمل دارد.

جواب: اگر این باشد مسئله حل است که این ناظر به وسائل است

- می‌گوید: هداية الأمة الى احكام الأئمة عليهم السّلام، ثلاث مجلدات صغيرة منتخبة من‏ ذلك‏ الكتاب‏ مع حذف الأسانيد و المكررات‏[[2]](#footnote-2)

-اینجا گویاست که می‌گوید از خود وسایل است.

سؤال: احتمال داده نمی‌شود اختلاف از استنساخ‌های بعدی باشد نه از خود مؤلف؟

جواب: چرا این احتمال هم هست ولی نمی‌دانم که اولین نسخه هدایة الامة با خط که بوده. اگر خط خود ایشان بوده نه. قاعدتاً خط خودشان هست ولی اگر خط خودشان نباشد و استنساخات دیگران باشد چرا. وسایل با خط خود ایشان هست. اول وسایل نمونه‌هایش را می‌دهند. مگر اینکه بگویند کسانی که چاپ کردند اشتباه کردند که بعید است.

سؤال: نسخه‌های وسایل اینکه یکی وجه باشد یکی شعر چه؟

جواب: اینجا تساقط است. منتهی آنجا هم دقت‌های بیشتر می‌شود به کاربرد ولی به‌جایی نمی‌رسد. اینکه ببینم این اختلاف نسخه از کجا ناشی شده و دستخط‌های اول از کجا بوده.

سؤال: در اینکه مختصر است و دقت شاید کمتر باشد می‌شود گفت که چون چکیده است گلچین است ولی وقتی زیاد باشد همه را می‌آورد.

جواب: مقدمه کتاب و خود کتاب را ببینید می‌بینید که دقتی در این کتاب نیست.

# دلیل هشتم:

وسایل باب 130 از ابواب نکاح حدیث اول: عنوان باب: نگاه به نامحرم برای معالجه جایز است. اگر ضرورتی بود برای معالجه زن نامحرم توسط مرد نامحرم یا برعکس گفته‌شده است که جایز است. روایات باب هم مربوط به این است. یکی از آن روایات را مرحوم داماد به‌عنوان دلیل برای جواز نظر انتخاب کرده به خاطر نکته خاصی که در همین روایت است و بقیه این نکته را ندارند. از کافی نقل شده است:

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ الثُّمَالِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْمَرْأَةِ الْمُسْلِمَةِ يُصِيبُهَا الْبَلَاءُ فِي جَسَدِهَا إِمَّا كَسْرٌ وَ إِمَّا جُرْحٌ فِي مَكَانٍ لَا يَصْلُحُ النَّظَرُ إِلَيْهِ يَكُونُ الرَّجُلُ أَرْفَقَ بِعِلَاجِهِ مِنَ النِّسَاءِ أَ يَصْلُحُ لَهُ النَّظَرُ إِلَيْهَا قَالَ إِذَا اضْطُرَّتْ إِلَيْهِ فَلْيُعَالِجْهَا إِنْ شَاءَتْ.[[3]](#footnote-3)

محمد ابن یحیی قمی معتبر است. احمد ابن محمد ابن عیسی اشعری قمی هم معروف و موثق است. علی ابن حکم هم قابل توثیق است.

روایت می‌گوید یصیب فی مکان لا یصلح النظر الیه. در روایت مفروض گرفته شده است که جاهایی از بدن هست که می‌شود نگاه کرد والا قید در سؤال سائل معنا نداشت. سائل هم ابوحمزه ثمالی است انسان معمولی نیست. می‌گوید فی مکان لا یصلح النظر الیه. معلوم می‌شود جاهایی هم هست که نظر اشکال ندارد والا بیان قید بی‌معنا بود. اگر جای جایز النظری نبود آوردن قید لغو بود. این مقدمه اول که از کلام سائل استفاده می‌شود که در ارتکازش بوده که مواضعی یجوز النظر الیها است. این ظاهر کلام ابوحمزه ثمالی است. امام هم در مقام پاسخ همین را تقریر کرده‌اند. مچ او را نگرفته‌اند که مکان یصلح النظر الیه وجود ندارد و همه اعضای بدن این‌طور است و اذا اضطرت فیعالجها. اینجا هم دو سه مقدمه باید ضمیمه شود تا استدلال تمام شود:

1. ارتکاز راوی این است که مواضعی از بدن زن نامحرم هست که یجوز النظر الیه. بلکه چیزی بالاتر از ارتکاز به این بیان که وقتی می­گوید فی مکان لا یصلح النظر الیه اصلاً لغو است که اگر موضعی که یجوز النظر باشد نبود. این ارتکاز بسیار قوی است که در کلام هم با قیدی آمده که اگر این نبود قید لغو بود و نوعی استهجان عرفی دارد که بگوید فی مکان لا یصلح النظر الیه. اگر همه اجزایش لایجوز النظر است گفتن این قید معنا ندارد.
2. امام هم در مقام تقریر بوده است. امام هم فضای ذهنی او را پذیرفته است. همانی که او فرض کرده امام می‌گوید در صورت اضطرار نمی‌شود نگاه کرد و اگر اضطرار نباشد نمی‌شود نگاه کرد. جاهایی که یجوز النظر الیه چیست؟ همان‌هایی که امام تقریر کرده و پذیرفته است.

## بررسی:

در سند ظاهراً اشکالی وجود ندارد؛ اما ازلحاظ دلالی جواب‌هایی داده‌شده است از هر دو مقرر که یکی آقای مؤمن است و دیگری حضرت آیت‌الله جوادی است که در این دو کتاب که به شکل تقریر چاپ شده موجود است. بعضی جواب‌های دیگری هم می‌شود به آن اضافه کرد که ان‌شاءالله فردا.

1. **. وسائل الشيعة، ج‏20، ص 199.** [↑](#footnote-ref-1)
2. **. الفصول المهمة في أصول الأئمة (تكملة الوسائل)، ج‏1، ص 19.** [↑](#footnote-ref-2)
3. **. وسائل الشيعة، ج‏20، ص 233.** [↑](#footnote-ref-3)